

ایروینگ استون

# شور زندگی



مترجم مارینا بنیاتیان



۱۳۹۸

## فہرست مطالب

۹	..... لندن
۴۷	..... کتاب اول: بوریناژ
۱۶۷	..... کتاب دوّم: اِتن
۲۳۳	..... کتاب سوم: لاهه
۳۵۷	..... کتاب چہارم: نونن
۴۲۱	..... کتاب پنجم: پاریس
۵۴۱	..... کتاب ششم: آرل
۶۳۳	..... کتاب ہفتم: سن رمی
۶۶۷	..... کتاب ہشتم: اوور

ایروینگ استون<sup>۱</sup> در سال ۱۹۰۳ در سانفرانسیسکو به دنیا آمد. در ۱۹۲۳ موفق به اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه برکلی<sup>۲</sup> کالیفرنیا شد و در ۱۹۲۴ مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی دریافت کرد. تا پیش از انتشار اولین رمانش شور زندگی<sup>۳</sup> با نوشتن داستان‌های پلیسی - جنایی برای نشریات مختلف روزگار می‌گذراند. استون به کارهای خود نام «شرح حال نویسی» را اطلاق کرد و رمان‌هایش را براساس تحقیق و پژوهش جامع وמושکافانه در خصوص زندگی شخصیت‌های واقعی بنا نهاد. در ۱۹۳۴ با ویراستار خود ژان فاکتور<sup>۴</sup> ازدواج کرد. در ۱۹۶۲ آکادمی شاعران آمریکایی را تأسیس کرد. وی در ۱۹۸۹ در لس‌آنجلس درگذشت.

این کتاب، زندگینامه‌ی ونسان ون‌گوگ را در قالب داستانی کلاسیک نشان می‌دهد. تاکنون هیچ هنرمندی به اندازه‌ی ون‌گوگ تحت تأثیر نبوغ و خلاقیت خود، چنین عنان‌گسیخته پیش نرفته و در عین حال، تا این حد از

1. Irving Stone

2. Berkley

3. Lust For Life

4. Jean Factor

پیش‌یافته‌ترین خوشی‌های زندگی محروم نبوده است.  
نقاش نابغه‌ای که زندگی‌اش کشمکش بی‌وقفه در برابر فقر،  
سرخوردگی، جنون و نومیدی بود.

شور زندگی با مهارت تمام جوهر التهاب پساامپرسیونیست‌های پاریس را به  
تصویر می‌کشد و با بینش و بصیرتی عمیق به بازتولید پیشرفت هنری ون‌گوگ  
می‌پردازد.

در این کتاب ون‌گوگ نقاش نه تنها به عنوان یک هنرمند مطرح می‌شود  
بلکه زندگی پر آشوب، پر تکاپو و پر عذابش در قالب داستانی مملو از شور و  
احساس و عاطفه ارائه می‌گردد؛ آنچه نمونه‌اش را در کمتر رمانی می‌توان  
یافت.

## لندن

### ۱

— موسیو ون‌گوگ! دیگه وقت بیدار شدنه!

ونسان<sup>۲</sup> حتی هنگام خواب هم در انتظار شنیدن صدای اورسولا<sup>۳</sup> بود. داد

زد:

— مادموازل اورسولا، من بیدار بودم.

دختر خندید و گفت:

— نه بیدار نبودین ولی حالا چرا، بیدارین.

ونسان صدای پای او را شنید که از پله‌ها پایین رفت و وارد آشپزخانه شد.

سپس دست‌هایش را زیر کمرش گذاشت، خود را تکانی داد و از تخت بیرون

پريد. سینه و شانه‌هایی ستبر و بازوانی کلفت و نیرومند داشت. به سرعت

لباس‌هایش را پوشید، کمی آب سرد از داخل ظرفی خالی کرده، تیغ

ریش‌تراشی‌اش را تیز کرد.

او مناسبک و تشریفات اصلاح صورتش را بسیار دوست داشت: از خط